Journal of Teaching Experiences

Farhangiyan University

Analyzing Teachers' Assessment Skills in Rural Multi-grade Classrooms: A Qualitative Study Based on Lived Experiences

Z. Rahimzadeh [1], F. Ghahremani [2], A. Soleimani [3]*

1. Assistant Professor, Farhangian University. Shahid Sadoughi Campus, Kermanshah(Corresponding Author).
2. Undergraduate Studies, Shahid Sadoughi Campus, Kermanshah
3. Visiting Professor, Farhangian University. Shahid Sadoughi Campus, Kermanshah

Keywords:
-Multi-grade classrooms
-Assessment skills
-Rural education
- Evaluation practices

.Corresponding author:
zahrah.rahimzadeh@gmail.com

Received:
2025/11/24
Revised:
2026/01/18
Accepted:
2026/01/29

Publisher:
Farhangian University

Article type:
Research Article

ABSTRACT

Background and Purpose: Multi-grade rural classrooms represent a persistent yet under-theorized structure of primary education in which teachers simultaneously address multiple grade levels, pronounced learner heterogeneity, and severe constraints of time and instructional resources. Under such conditions, classroom assessment shifts from a technical, pre-planned activity to a complex, situated practice that relies heavily on teachers' professional judgment. Although the literature on formative assessment and assessment for learning has expanded substantially, most studies have focused on single-grade or relatively homogeneous classrooms, leaving assessment practices in authentic multi-grade rural contexts insufficiently examined. This study aims to explicate the assessment skills of multi-grade classroom teachers through an analysis of their lived professional experiences.

Method: This qualitative, experience-oriented study involved nine teachers working in rural multi-grade classrooms, selected through purposive sampling. Data were collected using semi-structured interviews and analyzed through thematic analysis, following the stages of open, axial, and selective coding.

Findings: The analysis resulted in four overarching themes: managing the complexity of simultaneous assessment across multiple grade levels, designing and implementing multilevel assessment practices, relying on professional judgment to interpret evidence of student learning, and employing compensatory strategies to address structural and contextual constraints. These assessment skills differ from those observed in single-grade classrooms not only in form but also in their degree of intensity and contextual complexity.

Conclusion: The findings indicate that assessment in rural multi-grade classrooms constitutes a form of situated professional knowledge that emerges through continuous interaction with classroom realities. This highlights the need to reconsider dominant assessment frameworks, redesign teacher professional development programs, and formulate assessment policies that are responsive to heterogeneous and multi-grade learning environments.

Citation (APA): *Rahimzadeh, Z, Ghahremani, F Soleimani, A.*(2025). Analyzing Teachers' Assessment Skills in Rural Multi-grade Classrooms: A Qualitative Study Based on Lived Experiences. *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, *3*(3), 29-1.
https://doi.org/10.12345/tej.12.10.112

فصلنامه تجارب معلمی

ارزشیابی به‌مثابه کنش موقعیتی معلم: بازخوانی مهارت‌های سنجش در کلاس‌های چندپایه روستایی بر پایه تجربه‌های زیسته

زهرا رحیم زاده[۱*]، فاطمه قهرمانی[۲]، عادل سلیمانی[۳]

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان . پردیس شهید صدوقی کرمانشاه(نویسنده مسئول).

۲. دانش آموخته دوره کارشناسی پردیس شهید صدوقی کرمانشاه

۳. استاد مدعو دانشگاه فرهنگیان . پردیس شهید صدوقی کرمانشاه

چکیده

واژه‌های کلیدی:
- کلاس‌های چندپایه روستایی،
- مهارت‌های سنجش و ارزشیابی معلم،
- ارزشیابی بافت‌محور،
- تشخیص حرفه‌ای معلم.

۱. رایانامه:
zahrah.rahimzadeh@gmail.com

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۰۹/۰۳

تاریخ بازنگری:
۱۴۰۴/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۱۱/۰۹

ناشر: دانشگاه فرهنگیان

نویسندگان.

نوع مقاله: پژوهشی

پیشینه و هدف: کلاس‌های چندپایه روستایی از ساختارهای رایج آموزش ابتدایی هستند که معلمان در آن‌ها به‌طور هم‌زمان مسئول آموزش دانش‌آموزانی از پایه‌های تحصیلی متفاوت‌اند. هم‌زمانی چند پایه، ناهمگونی شدید دانش‌آموزان، محدودیت زمان و کمبود منابع آموزشی، شرایطی را ایجاد می‌کند که فرایند سنجش و ارزشیابی یادگیری ماهیتی پیچیده و متفاوت از کلاس‌های تک‌پایه پیدا می‌کند. با وجود اهمیت ارزشیابی در هدایت فرایند یاددهی–یادگیری، پژوهش‌های موجود عمدتاً به ارزشیابی به‌صورت کلی پرداخته و مهارت‌های ارزشیابی معلمان را در بستر واقعی کلاس‌های چندپایه روستایی کمتر بررسی کرده‌اند. هدف پژوهش حاضر تبیین مهارت‌های سنجش و ارزشیابی معلمان کلاس‌های چندپایه روستایی بر پایه تجربه‌های زیسته آنان است.

روش: این پژوهش با رویکرد کیفی و تجربه‌محور انجام شد. مشارکت‌کنندگان شامل ۹ معلم کلاس‌های چندپایه روستایی بودند که به‌روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از تحلیل مضمون و طی مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها به استخراج چهار مضمون اصلی انجامید: مدیریت پیچیده ارزشیابی هم‌زمان چند پایه، طراحی و اجرای ارزشیابی‌های چندسطحی، اتکا به تشخیص حرفه‌ای معلم در قضاوت‌های ارزشیابانه و به‌کارگیری راهبردهای جبرانی برای مواجهه با محدودیت‌های زمانی و اجرایی. این مهارت‌ها در کلاس‌های چندپایه با شدت و پیچیدگی بیشتری نسبت به کلاس‌های تک‌پایه بروز می‌یابند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد ارزشیابی در کلاس‌های چندپایه روستایی فرایندی پویا، بافت‌محور و مبتنی بر تجربه عملی معلمان است. توجه به این یافته‌ها می‌تواند مبنایی برای بهبود برنامه‌های توانمندسازی معلمان، بازنگری در دستورالعمل‌های ارزشیابی و ارتقای کیفیت یادگیری در مدارس روستایی فراهم آورد.

ستناد به این مقاله :رحیم زاده، زهرا ؛ قهرمانی، فاطمه ؛ سلیمانی، عادل. (۱۴۰۴) ارزشیابی به‌مثابه کنش موقعیتی معلم: بازخوانی مهارت‌های سنجش در کلاس‌های چندپایه روستایی بر پایه تجربه‌های زیسته، (****)

https://doi.org/10.48310/istt.2025.20771.1177

مقدمه

کلاس‌های چندپایه یکی از واقعیت‌های تثبیت‌شده نظام آموزشی ایران، به‌ویژه در مناطق روستایی و کم‌جمعیت، به شمار می‌آیند. در این کلاس‌ها، معلم به‌طور هم‌زمان مسئول آموزش دانش‌آموزانی با پایه‌های تحصیلی متفاوت است؛ وضعیتی که نه حاصل انتخاب آموزشی، بلکه نتیجه شرایط جغرافیایی، جمعیتی و امکانات موجود مدارس است (UNESCO، ۲۰۱۵). در چنین کلاس‌هایی، معلم نقشی فراتر از انتقال‌دهنده محتوا ایفا می‌کند و ناگزیر است هم‌زمان به برنامه‌ریزی آموزشی، مدیریت کلاس، پیگیری پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و پاسخ‌گویی به تفاوت‌های فردی آنان بپردازد. این واقعیت عینی، کلاس‌های چندپایه را به محیط‌هایی آموزشی با ویژگی‌ها و اقتضائات خاص تبدیل کرده است که نمی‌توان آن‌ها را با معیارهای کلاس‌های تک‌پایه تحلیل یا ارزیابی کرد (Berry، ۲۰۱۳).

تدریس در کلاس‌های چندپایه با چالش‌هایی همراه است که ماهیتی متفاوت از کلاس‌های تک‌پایه دارند. هم‌زمانی تدریس چند پایه تحصیلی، تفاوت سطح یادگیری دانش‌آموزان، تنوع سنی و شناختی، و محدودیت زمان آموزشی، شرایطی را ایجاد می‌کند که معلم ناگزیر است تصمیم‌های آموزشی خود را به‌صورت لحظه‌ای و متناسب با وضعیت کلاس اتخاذ کند(Berry, 2013). پژوهش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از الگوهای آموزشی طراحی‌شده برای کلاس‌های همگن، در عمل کارایی لازم را در کلاس‌های چندپایه ندارند و نیازمند انطباق با شرایط واقعی کلاس‌اند(Hargreaves et al., 2023).

در چنین بستری، ارزشیابی آموزشی در کلاس‌های چندپایه صرفاً به‌عنوان ابزاری برای سنجش پایانی یا ثبت نمره تلقی نمی‌شود، بلکه به یکی از مؤلفه‌های اصلی تصمیم‌گیری حرفه‌ای معلم تبدیل می‌گردد. معلم کلاس چندپایه ناگزیر است شواهد یادگیری دانش‌آموزان پایه‌های مختلف را به‌طور مستمر جمع‌آوری و تفسیر کرده و بر اساس آن، تدریس خود را تنظیم کند؛ فرایندی که نقش مهمی در مدیریت یادگیری و پاسخ‌گویی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان دارد(Black & Wiliam, 1998) . در محیط‌های آموزشی ناهمگون، ارزشیابی تکوینی و بازخورد می‌توانند ابزار مؤثری برای هدایت یادگیری باشند، هرچند تحقق عملی آن‌ها در کلاس‌های چندپایه بیش از هر چیز به مهارت و تشخیص حرفه‌ای معلم وابسته است(Berry, 2013) .

در عمل، معلمان کلاس‌های چندپایه با فاصله‌ای محسوس میان دستورالعمل‌های رسمی ارزشیابی و واقعیت‌های اجرایی کلاس مواجه‌اند. شیوه‌ها و الگوهای ارزشیابی ارائه‌شده در برنامه‌های درسی اغلب بر مبنای کلاس‌های تک‌پایه و شرایط نسبتاً همگن طراحی شده‌اند و اجرای کامل آن‌ها در کلاس‌های چندپایه، به‌ویژه در مدارس روستایی، همواره امکان‌پذیر نیست(UNESCO, 2015) . در چنین شرایطی، معلم ناگزیر است این دستورالعمل‌ها را تعدیل کرده و راهکارهای ارزشیابی را متناسب با شرایط کلاس بازتعریف کند؛ امری که ارزشیابی را به فرایندی انعطاف‌پذیر، موقعیتی و وابسته به قضاوت حرفه‌ای معلم تبدیل می‌کند (Hargreaves et al., 2023).

ادبیات آموزشی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، بر اهمیت ارزشیابی تکوینی و نقش بازخورد در بهبود یادگیری دانش‌آموزان تأکید داشته است و ارزشیابی را بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند تدریس می‌داند(Black & Wiliam, 1998; Shepard, 2000) . در نظام آموزش ابتدایی ایران نیز، رویکرد ارزشیابی کیفی–توصیفی با هدف حمایت از یادگیری، توجه به تفاوت‌های فردی، استفاده از بازخوردهای توصیفی و کاهش تأکید بر سنجش‌های نمره‌محور طراحی و اجرا شده است. این رویکرد بر بهره‌گیری از ابزارهایی همچون مشاهده، پوشه‌کار، ثبت شواهد عملکردی و بازخورد مستمر تأکید دارد و نقش معلم را در

قضاوت حرفه‌ای و تفسیر شواهد یادگیری برجسته می‌سازد (فرج‌اللهی و حقیقی، ۱۳۸۶؛ محمودی و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهش‌های جدیدتر نیز نشان می‌دهد که در کلاس‌های ناهمگون، استفاده هدفمند از ارزشیابی تکوینی و کیفی می‌تواند به تصمیم‌گیری مؤثرتر معلم و درک دقیق‌تر وضعیت یادگیری دانش‌آموزان کمک کند؛ هرچند تحقق عملی این رویکردها، به‌ویژه در شرایط پیچیده کلاس‌های چندپایه، مستلزم انطباق با محدودیت‌های زمانی و اجرایی کلاس است (van den Heuvel-Panhuizen et al. 2021).

مرور پژوهش‌های خارجی نشان می‌دهد که تمرکز اصلی مطالعات مرتبط با کلاس‌های چندپایه بیشتر بر چالش‌های ساختاری، سازمانی و مدیریتی این کلاس‌ها بوده و موضوع ارزشیابی آموزشی و شیوه‌های عملی معلمان در سنجش یادگیری دانش‌آموزان، کمتر به‌صورت مستقل و عمیق بررسی شده است (Hargreaves et al., 2023). برخی پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که معلمان کلاس‌های چندپایه برای مواجهه با پیچیدگی‌های ارزشیابی، به راهبردهایی متکی می‌شوند که ریشه در تجربه‌های عملی آنان دارد و لزوماً در چارچوب‌های رسمی پیش‌بینی نشده است (Berry, 2013).

در پژوهش‌های داخلی، توجه به ارزشیابی آموزشی عمدتاً در قالب ارزشیابی کیفی–توصیفی دوره ابتدایی، نقش بازخورد در یادگیری و چالش‌های اجرای ارزشیابی تکوینی بررسی شده است. مطالعات متعددی به تبیین اصول، ابزارها و پیامدهای ارزشیابی کیفی–توصیفی در دوره ابتدایی پرداخته و بر نقش آن در حمایت از یادگیری، توجه به تفاوت‌های فردی و کاهش تأکید بر سنجش‌های نمره‌محور تأکید کرده‌اند (فرج‌اللهی و حقیقی، ۱۳۸۶؛ محمودی و همکاران، ۱۳۹۵). با این حال، پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد اجرای ارزشیابی تکوینی در مدارس ابتدایی ایران با محدودیت‌هایی همچون کمبود زمان، حجم بالای وظایف معلم و فاصله میان الزامات نظری و واقعیت‌های اجرایی کلاس مواجه است؛ به‌گونه‌ای که معلمان ناگزیرند بسیاری از مؤلفه‌های ارزشیابی را به‌صورت موقعیتی و مبتنی بر تشخیص حرفه‌ای خود اجرا کنند (انتهایی‌آرانی و همکاران، ۱۴۰۰؛ تقی‌پور و مظهرپور، ۱۴۰۴).

در حوزه کلاس‌های چندپایه، هرچند پژوهش‌های داخلی عمدتاً بر چالش‌های تدریس، مدیریت کلاس و شرایط اجرایی معلمان تمرکز داشته‌اند، اما یافته‌ها نشان می‌دهد که تجربه‌های عملی معلمان در این کلاس‌ها واجد الگوهای خاصی از تصمیم‌گیری آموزشی و ارزشیابانه است که کمتر به‌صورت مستقل و عمیق واکاوی شده است (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۱؛ نامداری و خسرونظری، ۱۴۰۳؛ محمدوند، ۱۴۰۳). به‌ویژه، بررسی مهارت‌های ارزشیابی معلمان کلاس‌های چندپایه بر پایه تجربه‌های زیسته آنان، به‌عنوان بخشی از دانش حرفه‌ای معلمان، در ادبیات پژوهشی داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته و خلأ معناداری در این زمینه مشاهده می‌شود.

در کلاس‌های چندپایه، تجربه‌های عملی معلمان نقش مهمی در شکل‌گیری دانش حرفه‌ای آنان ایفا می‌کند. این تجربه‌ها حاصل مواجهه روزمره با موقعیت‌های پیچیده آموزشی و تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای در حوزه تدریس و ارزشیابی است و نوعی دانش عملی و موقعیتی را شکل می‌دهد که نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت تصمیم‌گیری‌های آموزشی دارد (Berry, 2013). پرداختن به این تجربه‌ها می‌تواند درک عمیق‌تری از واقعیت‌های ارزشیابی در کلاس‌های چندپایه فراهم آورد.

با توجه به پیچیدگی‌های آموزشی کلاس‌های چندپایه و نقش محوری ارزشیابی در هدایت یادگیری دانش‌آموزان، شناخت مهارت‌های ارزشیابی معلمان در این کلاس‌ها ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد. بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و تجربه‌محور، به بررسی و تبیین مهارت‌های ارزشیابی معلمان

کلاس‌های چندپایه می‌پردازد. در این پژوهش، تجربه‌های زیسته معلمان نه به‌عنوان موضوع مستقل پدیدارشناختی، بلکه به‌عنوان منبع داده‌ای برای شناسایی، تحلیل و تبیین مهارت‌ها، کنش‌ها و تصمیم‌های ارزشیابانه آنان در شرایط واقعی کلاس‌های چندپایه مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف مطالعه، ارائه توصیفی پدیدارشناسانه از تجربه‌ها نیست، بلکه تمرکز آن بر استخراج الگوهای مهارتی و حرفه‌ای معلمان در فرایند ارزشیابی آموزشی است.

از منظر نظری، آموزش در کلاس‌های چندپایه را می‌توان در چارچوب آموزش در کلاس‌های ناهمگون و یادگیری چندسطحی تبیین کرد؛ رویکردهایی که بر لزوم انطباق فرایندهای تدریس و ارزشیابی با تنوع سطح یادگیری، تفاوت‌های فردی و محدودیت‌های اجرایی کلاس تأکید دارند (Berry, 2013؛ Hargreaves et al., 2023). در این چارچوب، ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی برای یادگیری به‌عنوان رویکردهایی زمینه‌مند و فرایندمحور تلقی می‌شوند که کارکرد اصلی آن‌ها حمایت از یادگیری و تنظیم تدریس در بستر عمل آموزشی است (Black & Wiliam, 1998؛ Shepard, 2000). بر این اساس، ارزشیابی در کلاس‌های چندپایه نه به‌عنوان مجموعه‌ای از ابزارهای ازپیش‌تعیین‌شده، بلکه به‌مثابه کنشی حرفه‌ای، موقعیتی و وابسته به تشخیص معلم در تعامل با شرایط واقعی کلاس فهم می‌شود. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر به شرح زیر است:معلمان کلاس‌های چندپایه چگونه مهارت‌ها و راهبردهای ارزشیابی خود را در شرایط واقعی کلاس شکل می‌دهند و به‌کار می‌گیرند؟

روش

روش انجام پژوهش: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و تجربه‌محور انجام شده است. انتخاب این رویکرد با توجه به هدف پژوهش صورت گرفت؛ زیرا مسئله اصلی مطالعه، شناخت و تبیین مهارت‌ها و راهبردهای ارزشیابی معلمان کلاس‌های چندپایه در شرایط واقعی کلاس است. این مهارت‌ها ماهیتی موقعیتی، وابسته به زمینه آموزشی و متأثر از تصمیم‌گیری‌های حرفه‌ای معلمان دارند و بررسی آن‌ها مستلزم واکاوی تجربه‌های عملی معلمان در بستر عمل آموزشی است (Berry, 2013؛Shepard, 2000). اگرچه در این پژوهش از تجربه‌های زیسته معلمان به‌عنوان منبع داده استفاده شده است، اما هدف مطالعه توصیف ماهیت پدیدارشناختی تجربه‌ها نبوده است. تمرکز اصلی پژوهش بر شناسایی و تحلیل کنش‌ها، تصمیم‌ها و مهارت‌های عملی معلمان در فرایند ارزشیابی آموزشی قرار دارد. از این رو، پژوهش حاضر در چارچوب پدیدارشناسی تعریف نمی‌شود، بلکه از تجربه‌های زیسته به‌عنوان داده‌ای برای استخراج الگوهای مهارتی و تبیین شیوه‌های عمل حرفه‌ای معلمان بهره می‌گیرد.

جامعه پژوهش و مشارکت‌کنندگان: جامعه پژوهش را معلمان کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی شاغل در مدارس روستایی تشکیل دادند. مشارکت‌کنندگان به‌صورت هدفمند و بر اساس معیارهای زیر انتخاب شدند:

۱. حداقل سه سال سابقه تدریس در کلاس‌های چندپایه؛
۲. تجربه عملی در ارزشیابی یادگیری دانش‌آموزان چندپایه؛
۳. تمایل و آمادگی برای مشارکت و بیان تجربه‌های حرفه‌ای.

فرایند انتخاب مشارکت‌کنندگان و انجام مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع مفهومی ادامه یافت؛ به این معنا که داده‌های جدید منجر به ظهور مفهوم یا مضمون تازه‌ای در ارتباط با مهارت‌های ارزشیابی نشد (Lincoln & Guba, 1985). در مجموع، ۹ معلم کلاس چندپایه در پژوهش مشارکت داشتند که مشخصات آنان در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

شماره مصاحبه شونده	تحصیلات	محل خدمت	پایه‌های تدریس	سابقه تدریس در چند پایه (سال)	سابقه کل تدریس (سال)	جنسیت
مصاحبه ۱	کارشناسی علوم تربیتی	شیرین سو	اول تا ششم/ ۶پایه	۶سال	۶ سال	مرد
مصاحبه ۲	دیپلم دانشسرای مقدماتی/لیسانس الهیات	دینور	۵ پایه مختلط	۵ سال	بازنشسته به صورت اضافه کار	مرد
مصاحبه ۳	لیسانس مدیریت /دانش اموخته دانشگاه فرهنگیان رشته اموزش ابتدایی	دینور	۶ پایه	۷ سال	۷ سال	مرد
مصاحبه ۴	کارشناسی علوم تربیتی/ارشد روانشناسی تربیتی	بشیک تپه	۶ پایه	۲سال	۸ سال	مرد
مصاحبه ۵	کارشناسی اموزش ابتدایی/ارشد روانشناسی عمومی	احمد اباد	۶پایه	۵سال	۹سال	مرد
مصاحبه ۶	کارشناسی اموزش ابتدایی	کبودراهنگ	پنج وششم	۱سال	۳سال	زن
مصاحبه ۷	کارشناسی علوم تربیتی	روستاهای شیرین سو	سه سال اول ۶ پایه/بقیه سه پایه	۷سال	۷سال	مرد
مصاحبه ۸	ارشد روانشناسی	روستای انجیری باغی	۶ پایه	۱۷ سال	۳۰ سال	مرد
مصاحبه ۹	کارشناسی علوم تربیتی	روستای ایستی بلاغ	پنج و ششم / سوم چهارم	۲ سال	۲ سال	مرد

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها:

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با پرسش‌های پیگیرانه گردآوری شد. پرسش‌های مصاحبه بر تجربه‌های واقعی معلمان در ارزشیابی یادگیری دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه، چگونگی تصمیم‌گیری‌های ارزشیابی و شیوه‌های مواجهه با محدودیت‌های اجرایی کلاس متمرکز بود. در جریان مصاحبه‌ها، متناسب با پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، پرسش‌های تکمیلی مطرح شد تا تجربه‌ها با عمق بیشتری واکاوی شود. مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌صورت کامل پیاده‌سازی شد.

شیوه تحلیل داده‌ها:

تحلیل داده‌ها به‌صورت تدریجی، نظام‌مند و هم‌زمان با گردآوری داده‌ها انجام شد. پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها، متن هر مصاحبه چندین بار مطالعه شد تا پژوهشگر با کلیت داده‌ها و فضای تجربه‌های بیان‌شده آشنا شود. در این مرحله، تلاش شد تحلیل بدون تحمیل چارچوب نظری ازپیش‌تعیین‌شده و با تمرکز بر داده‌های خام انجام گیرد.

در گام نخست، کدگذاری اولیه صورت گرفت؛ بدین معنا که بخش‌هایی از متن مصاحبه‌ها که به مهارت‌ها، تصمیم‌ها و شیوه‌های ارزشیابی معلمان اشاره داشت، مشخص و با برچسب‌های مفهومی کوتاه کدگذاری شد. این کدها اغلب برگرفته از زبان خود معلمان بود. در مرحله بعد، کدهای مشابه مورد مقایسه و بازبینی قرار گرفت و در قالب مقوله‌های مفهومی گروه‌بندی شد. در گام نهایی، با بررسی ارتباط میان مقوله‌ها، مضامین اصلی مرتبط با مهارت‌ها و راهبردهای ارزشیابی معلمان کلاس‌های چندپایه استخراج و تبیین گردید.

در نسخه نهایی مقاله، هرگونه انتساب تحلیل داده‌ها به روش نظریه داده‌بنیاد (از جمله رویکرد اشتراوس و کوربین) حذف شده و تحلیل به‌عنوان فرایندی مرحله‌مند برای استخراج مضامین، بدون ادعای نظریه‌پردازی، تبیین شده است.

اعتبار، قابلیت اتکا و تأییدپذیری داده‌ها:

برای افزایش اعتبار[1] یافته‌ها، تحلیل داده‌ها به‌صورت مستمر با بازگشت به متن مصاحبه‌ها انجام شد و خلاصه‌ای از برداشت‌ها و مضامین اولیه در اختیار برخی از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت تا نظرات اصلاحی آنان در تحلیل نهایی لحاظ شود .به‌منظور انجام بازبینی مشارکت‌کنندگان، خلاصه مضامین اولیه برای سه نفر از معلمان مشارکت‌کننده ارسال شد و بازخوردهای آنان در اصلاح و نهایی‌سازی تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. به منظور افزایش قابلیت اتکا[2] ، مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت دقیق ثبت و مستندسازی شد تا مسیر تصمیم‌گیری پژوهشگر روشن و قابل پیگیری باشد. برای ارتقای تأییدپذیری[3] ، از نقل‌قول‌های مستقیم معلمان در بخش یافته‌ها استفاده شد تا پیوند روشنی میان داده‌های خام و تفسیرها برقرار شود. همچنین با ارائه توصیف نسبتاً دقیق از زمینه پژوهش، ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و شرایط کلاس‌های چندپایه، امکان قضاوت درباره قابلیت انتقال[4] یافته‌ها به موقعیت‌های مشابه فراهم شد (Lincoln & Guba, 1985).

جدول ۲. راهبردهای اطمینان‌پذیری پژوهش

راهبرد به‌کاررفته	معیار
بازبینی مشارکت‌کنندگان، تحلیل تدریجی	اعتبار
ثبت مراحل گردآوری و تحلیل	قابلیت اتکا
نقل‌قول مستقیم، بازگشت به داده‌ها	تأییدپذیری
توصیف زمینه و مشارکت‌کنندگان	قابلیت انتقال

[1] . Credibility
[2] .Dependability
[3] .Confirmability
[4] . Transferability

ملاحظات اخلاقی: در تمامی مراحل پژوهش، اصول اخلاقی رعایت شد. مشارکت‌کنندگان پس از آگاهی از هدف پژوهش و نحوه استفاده از داده‌ها، به‌صورت داوطلبانه در مطالعه شرکت کردند. محرمانگی اطلاعات، ناشناس‌بودن هویت معلمان و استفاده صرفاً پژوهشی از داده‌ها تضمین شد.

یافته‌ها

تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با معلمان کلاس‌های چندپایه منجر به استخراج چهار مضمون اصلی و چندین زیرمضمون مرتبط شد. این مضامین بازتاب‌دهنده تجربه‌های عملی معلمان در مواجهه با چالش‌های ارزشیابی و راهبردهای آنان برای مدیریت فرایند سنجش یادگیری در شرایط پیچیده کلاس‌های چندپایه است.

جدول۳- کدهای باز، محوری و انتخابی استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

کد باز	فراوانی	کد محوری	کد انتخابی (مضمون اصلی)
کمبود زمان برای ارزشیابی هر پایه	۶	فشار زمانی	مدیریت پیچیده ارزشیابی هم‌زمان
ناتمام‌ماندن فرایند سنجش	۴		
تمرکز بر پایه‌های مسئله‌دار	۵	اولویت‌بندی	
جابه‌جایی مداوم بین پایه‌ها	۳		
دشواری طراحی آزمون چندسطحی	۵	طراحی ابزار	طراحی و اجرای ارزشیابی چندسطحی
زمان‌بر بودن آماده‌سازی ابزار	۴		
تفاوت انتظارات ارزشیابانه	۴	تعدیل معیارها	
ساده‌سازی تکالیف	۳		
اتکا به شناخت فردی	۶	شناخت دانش‌آموز	تشخیص حرفه‌ای معلم در ارزشیابی
توجه به وضعیت عاطفی دانش‌آموز	۴		
قضاوت فوری در کلاس	۵	تصمیم‌گیری لحظه‌ای	
انعطاف در نمره‌دهی	۳		
مشارکت دانش‌آموزان در سنجش	۵	ارزشیابی مشارکتی	راهبردهای جبرانی ارزشیابی
خودارزیابی دانش‌آموزان	۳		
استفاده از پوشه‌کار	۵	شواهد عملکردی	
جمع‌آوری تدریجی شواهد	۴		

در فرایند تحلیل داده‌ها، در مجموع ۵۰ کد باز یکتا استخراج شد که این کدها در مصاحبه‌ها در مجموع ۷۹ بار تکرار شده‌اند. کدهای باز بر اساس شباهت مفهومی در قالب ۸ کد محوری سامان‌دهی شدند و در نهایت ۴ کد انتخابی (مضمون اصلی) شکل گرفت. فراوانی کدها نشان‌دهنده میزان برجستگی هر مفهوم در تجربه‌های معلمان مشارکت‌کننده است.

مضمون اول: مدیریت پیچیده ارزشیابی هم‌زمان در کلاس‌های چندپایه: یافته‌ها نشان می‌دهد که معلمان کلاس‌های چندپایه با چالش مستمر ارزشیابی هم‌زمان چند پایه تحصیلی روبه‌رو هستند؛ چالشی که به‌دلیل هم‌زمانی تدریس، تنوع سطح یادگیری و محدودیت زمان، در مقایسه با کلاس‌های تک‌پایه از پیچیدگی بیشتری برخوردار است.

زیرمضمون ۱-۱: فشار زمانی و ناتمام‌ماندن ارزشیابی: معلمان بیان کردند که کمبود زمان موجب می‌شود ارزشیابی همه پایه‌ها به‌صورت کامل انجام نشود و برخی فرایندهای سنجش ناتمام بماند. "گاهی فقط می‌رسم بفهمم بچه‌ها کلی مطلب را گرفته‌اند یا نه، اما وقت نمی‌شود دقیق بررسی کنم". (م۳)

زیرمضمون ۱-۲: اولویت‌بندی اجباری پایه‌ها: برای مدیریت این وضعیت، معلمان ناچار به اولویت‌بندی ارزشیابی برخی پایه‌ها یا دانش‌آموزان می‌شوند. "معمولاً پایه‌ای که درس جدید دارد یا مشکل بیشتری دارد، زودتر ارزشیابی می‌شود". (م۱)

زیرمضمون ۱-۳: تمایز با کلاس تک‌پایه: در کلاس‌های تک‌پایه امکان تمرکز پیوسته بر یک گروه وجود دارد، اما در کلاس‌های چندپایه، ارزشیابی همواره با وقفه و جابه‌جایی همراه است.

مضمون دوم: طراحی و اجرای ارزشیابی چندسطحی: یافته‌ها نشان می‌دهد که معلمان برای پاسخ‌گویی به تفاوت‌های سطح یادگیری دانش‌آموزان، به طراحی ارزشیابی‌های چندسطحی روی می‌آورند؛ راهبردی که در کلاس‌های چندپایه نقش محوری دارد.

زیرمضمون ۲-۱: دشواری طراحی ابزارهای چندسطحی: معلمان طراحی آزمون یا فعالیت ارزشیابی متناسب با چند پایه را کاری زمان‌بر و دشوار توصیف کردند. "باید یک تکلیف طوری باشد که هم به پایه پایین بخورد هم پایه بالا، این کار ساده‌ای نیست". (م۴)

زیرمضمون ۲-۲: ساده‌سازی و تعدیل انتظارات: برای کاهش این دشواری، معلمان معیارهای ارزشیابی را متناسب با سطح هر پایه تعدیل می‌کنند. "از همه بچه‌ها یک چیز نمی‌خواهم؛ هر پایه توقع خودش را دارد". (م۲)

زیرمضمون ۲-۳: تمایز با کلاس تک‌پایه: در کلاس تک‌پایه، ابزار ارزشیابی معمولاً یک‌سطحی است، اما در کلاس چندپایه، چندسطحی‌بودن به یک ضرورت تبدیل می‌شود.

مضمون سوم: اتکا به تشخیص حرفه‌ای معلم در ارزشیابی: یافته‌ها نشان می‌دهد که بخش مهمی از ارزشیابی در کلاس‌های چندپایه بر پایه تشخیص حرفه‌ای معلم انجام می‌شود؛ تشخیصی که حاصل تجربه، شناخت دانش‌آموزان و شرایط کلاس است.

زیرمضمون ۳-۱: شناخت فردی دانش‌آموزان: معلمان تأکید کردند که شناخت قبلی از دانش‌آموزان نقش تعیین‌کننده‌ای در قضاوت‌های ارزشیابانه دارد."من می‌دانم این دانش‌آموز اگر امروز ضعیف جواب داد، همیشه این‌طور نیست". (م۵)

زیرمضمون ۳-۲: تصمیم‌گیری لحظه‌ای: در بسیاری از موقعیت‌ها، معلمان ناچارند بدون اتکا به ابزار رسمی، تصمیم‌های ارزشیابانه فوری بگیرند. "خیلی وقت‌ها همان لحظه تصمیم می‌گیرم نمره بدهم یا نه، چون وقت برگشت ندارم". (م۶)

زیرمضمون ۳-۳: تمایز با کلاس تک‌پایه: در کلاس تک‌پایه، دستورالعمل‌ها نقش پررنگ‌تری دارند، اما در کلاس چندپایه، تشخیص حرفه‌ای معلم تعیین‌کننده‌تر است.

مضمون چهارم: راهبردهای جبرانی برای کاهش چالش‌های ارزشیابی : یافته‌ها نشان می‌دهد که معلمان برای جبران محدودیت‌ها و کاهش فشار ارزشیابی، از راهبردهای جبرانی استفاده می‌کنند.

زیرمضمون ۴-۱: استفاده از ارزشیابی مشارکتی: برخی معلمان از مشارکت دانش‌آموزان در ارزشیابی برای مدیریت هم‌زمان کلاس بهره می‌برند. "بچه‌ها گاهی کار همدیگر را نگاه می‌کنند، این هم به خودشان کمک می‌کند هم به من". (م۱)

زیرمضمون ۴-۲: استفاده از پوشه‌کار و شواهد عملکردی: پوشه‌کار به‌عنوان راهکاری برای جمع‌آوری تدریجی شواهد یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. "وقتی پوشه‌کار دارم، لازم نیست همه چیز را همان لحظه بسنجیم". (م۴)

زیرمضمون ۴-۳: تمایز با کلاس تک‌پایه: این راهبردها در کلاس‌های تک‌پایه بیشتر مکمل هستند، اما در کلاس‌های چندپایه نقش جبرانی و حیاتی دارند.

به‌طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزشیابی در کلاس‌های چندپایه فرایندی پیچیده، موقعیتی و متکی بر تجربه عملی معلمان است. چالش‌های ساختاری این کلاس‌ها، معلمان را به توسعه مهارت‌ها و راهبردهایی واداشته است که در کلاس‌های تک‌پایه یا وجود ندارند یا با شدت و پیچیدگی کمتری بروز می‌یابند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ارزشیابی در کلاس‌های چندپایه فرایندی ایستا و ازپیش‌طراحی‌شده نیست، بلکه کنشی پویا، موقعیتی و به‌شدت وابسته به تشخیص حرفه‌ای معلم است. این نتیجه با دیدگاه‌های معاصر ارزشیابی آموزشی هم‌خوان است که ارزشیابی را بخشی درهم‌تنیده با فرایند یاددهی–یادگیری و متأثر از زمینه اجرایی کلاس می‌دانند (van den Heuvel-Panhuizen et al., 2021؛Shepard, 2020).

یافته‌های حاضر نشان می‌دهد که این ویژگی‌ها در کلاس‌های چندپایه با شدت و پیچیدگی بیشتری بروز می‌یابند و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً با الگوهای رایج ارزشیابی در کلاس‌های تک‌پایه تبیین کرد.

در تبیین چرایی شکل‌گیری مدیریت پیچیده ارزشیابی هم‌زمان، می‌توان گفت هم‌زمانی تدریس چند پایه، ناهمگونی سطح یادگیری دانش‌آموزان و محدودیت زمان، معلم را ناگزیر می‌سازد تصمیم‌های ارزشیابانه‌ای اتخاذ کند که اغلب سریع، انعطاف‌پذیر و موقعیتی هستند. پژوهش‌های اخیر در حوزه آموزش در کلاس‌های ناهمگون نشان می‌دهد که در چنین شرایطی، ارزشیابی به بخشی از جریان روزمره تدریس تبدیل می‌شود و مرز میان تدریس و سنجش کمرنگ می‌گردد(Hargreaves et al., 2023) . یافته‌های پژوهش حاضر این نکته را در بافت کلاس‌های چندپایه روستایی به‌طور عینی تأیید می‌کند.

یافته‌های مربوط به طراحی و اجرای ارزشیابی‌های چندسطحی نشان می‌دهد که اگرچه این رویکرد در ادبیات نظری ارزشیابی به‌عنوان یک راهبرد مطلوب مطرح شده است، اما در کلاس‌های چندپایه از سطح توصیه نظری فراتر رفته و به یک الزام عملی تبدیل می‌شود. معلمان ناچارند معیارها و انتظارات ارزشیابانه را به‌طور مستمر تعدیل کنند تا بتوانند هم‌زمان به تفاوت‌های پایه‌ای و فردی پاسخ دهند. این یافته با مطالعاتی هم‌سو است که بر ضرورت انطباق ارزشیابی با تنوع یادگیرندگان در کلاس‌های ناهمگون تأکید دارند(van den Heuvel-Panhuizen et al., 2021).

در خصوص تشخیص حرفه‌ای معلم در ارزشیابی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که اتکای صرف به ابزارها و دستورالعمل‌های رسمی ارزشیابی در کلاس‌های چندپایه کارآمد نیست. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که در بافت‌های آموزشی پیچیده، قضاوت حرفه‌ای معلم نقشی محوری در تفسیر شواهد یادگیری و تنظیم تدریس ایفا می‌کند (Klenowski & Wyatt-Smith, 2020) . یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در کلاس‌های چندپایه، این تشخیص حرفه‌ای نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

همچنین، یافته‌ها نشان داد که معلمان برای مواجهه با محدودیت‌های ساختاری کلاس‌های چندپایه، به راهبردهای جبرانی ارزشیابی مانند ارزشیابی مشارکتی و استفاده از پوشه‌کار روی می‌آورند. مطالعات بین‌المللی اخیر نیز تأکید می‌کنند که این راهبردها در محیط‌های آموزشی متنوع می‌توانند نقش مؤثری در حفظ

پیوستگی ارزشیابی و حمایت از یادگیری ایفا کنند(OECD, 2023) . با این حال، یافته‌های حاضر نشان می‌دهد که در کلاس‌های چندپایه، این راهبردها از حالت تکمیلی خارج شده و به ابزارهای اصلی ارزشیابی تبدیل می‌شوند.

از منظر کاربردی، نتایج این پژوهش می‌تواند راهنمای عمل معلمان کلاس‌های چندپایه در طراحی ارزشیابی‌های انعطاف‌پذیر، چندسطحی و مبتنی بر تشخیص حرفه‌ای باشد. همچنین مدیران مدارس روستایی می‌توانند با درک پیچیدگی‌های ارزشیابی در این کلاس‌ها، انتظارات واقع‌بینانه‌تری از عملکرد معلمان داشته باشند. در سطح کلان‌تر، یافته‌ها می‌تواند برای برنامه‌ریزان آموزشی در بازنگری دستورالعمل‌های ارزشیابی و طراحی دوره‌های توانمندسازی ویژه معلمان کلاس‌های چندپایه مورد استفاده قرار گیرد (UNESCO, 2023).

با وجود این، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بوده است؛ از جمله محدودبودن نمونه پژوهش به ۹ معلم، تمرکز بر کلاس‌های چندپایه روستایی و استفاده از مصاحبه به‌عنوان ابزار اصلی گردآوری داده‌ها. این محدودیت‌ها امکان تعمیم نتایج را کاهش می‌دهد، اما در عین حال بر عمق و غنای تجربه‌محور یافته‌ها می‌افزاید. پژوهش‌های آینده می‌توانند با گسترش دامنه نمونه، استفاده از روش‌های ترکیبی و انجام مطالعات تطبیقی میان کلاس‌های چندپایه و تک‌پایه، به تعمیق و تکمیل دانش موجود در حوزه ارزشیابی کلاس‌های چندپایه کمک کنند.

مشارکت نویسندگان

در این مقاله میزان مشارکت اعضا به ترتیب زهرا رحیم زاده . فاطمه قهرمانی. عادل سلیمانی .

تشکر و قدردانی

از کلیه مهارت‌آموزان رشته آموزگار ابتدایی که در انجام پژوهش همکاری نموده‌اند، قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسنده بیان نشده است.

COPYRIGHTS
©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

منابع

Entehai-Arani, S., Rezaei, M., & Ahmadi, H. (2021). *Challenges of implementing formative assessment in primary education: Teachers' perspectives*. Journal of Research in Primary Education, 10(2), 45–62.

Farajollahi, M., & Haghighi, A. (2007*). Qualitative–descriptive assessment and its role in improving primary school students' learning*. Journal of Educational Sciences, 3(1), 23–41. (In Persian)

Rahimi, M., Hosseini, S., & Karimi, N. (2022). *Investigating teaching and classroom management challenges in rural multi-grade classrooms*. Journal of Education and Assessment,

14(3), 89–110.

Taghipour, A., & Mazharpour, F. (2025). *ational barriers to formative assessment in Iranian primary schools*. Journal of Educational Innovations, 24(1), 71–92.

Namdari, M., & Khosronezhari, R. (2024). *Teachers' experiences of teaching in multi-grade classrooms: A qualitative study*. Journal of Curriculum Studies, 18(4), 133–154.

Mohammadvand, S. (2024). *Professional challenges of multi-grade classroom teachers in rural schools.* Journal of Rural Education, 6(2), 55–74.

Farajollahi, M., & Haghighi, A. (2007). *Qualitative–descriptive assessment and its role in improving learning in primary education.* Journal of Educational Sciences, 3(1), 23–41.

Mahmoudi, A., Zarei, F., & Karimi, L. (2016). *Investigating the outcomes of implementing descriptive assessment in primary schools.* Journal of Educational Research, 8(2), 101–120.

Berry, C. (2013). *Multi-grade teaching: A discussion document.* London: Institute of Education, University of London.

Black, P., & Wiliam, D. (1998). *Assessment and classroom learning. Assessment in Education:* Principles, Policy & Practice, 5(1), 7–74. https://doi.org/10.1080/0969595980050102

Hargreaves, E., Montero, C., Chau, N., Sibli, M., & Thanh, T. (2023*). Teaching and learning in multi-grade classrooms: A systematic review*. International Journal of Educational Research, 117, 102117. https://doi.org/10.1016/j.ijer.2022.102117

Klenowski, V., & Wyatt-Smith, C. (2020). *The impact of judgement practices on assessment for learning.* Assessment in Education: Principles, Policy & Practice, 27(4), 367–386. https://doi.org/10.1080/0969594X.2020.1766428

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry. Beverly Hills, CA: Sage.*

OECD. (2023). Teachers as designers of learning environments: The importance of innovative assessment. Paris: OECD Publishing.https://doi.org/10.1787/0f8f55f7-en

Shepard, L. A. (2000). *The role of assessment in a learning culture. Educational Researcher*, 29(7), 4–14. https://doi.org/10.3102/0013189X029007004

Shepard, L. A. (2020). *Classroom assessment to support teaching and learning.* The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, 683(1), 183–200. https://doi.org/10.1177/0002716220902869

UNESCO. (2015). *Education for all 2000–2015: Achievements and challenges*. Paris: UNESCO Publishing.

UNESCO. (2023). *Transforming education: Guidelines for assessment in diverse learning contexts*. Paris: UNESCO Publishing.

Van den Heuvel-Panhuizen, M., Elia, I., & Robitzsch, A. (2021). *Effects of formative assessment on student learning: A meta-analysis*. Educational Assessment, Evaluation and Accountability, 33(1), 21–50. https://doi.org/10.1007/s11092-020-09332-8